

جهت‌گیری ارزشی زنان و کنترل باروری

امیر رستگار خالد* میثم محمدی** محمدناصر ریاحی***

چکیده

تحقیقات نشان می‌دهند که باروری و نگرش به آن در سال‌های اخیر تغییر کرده و نرخ‌های باروری به مرور کاهش یافته‌اند. در ایران نیز چند سالی است که زنگ خطر جمعیتی به صدا درآمده است. از نظر متفکران جمعیت‌شناسی بسیاری از ارزش‌ها و نگرش‌ها هم‌زمان با انتقال دوم جمعیتی دگرگون شده‌اند. این تغییرات ارزشی طیف به نسبت وسیعی از دگرگونی‌ها را در بر می‌گیرد که عمده‌ترین آن بنا بر دیدگاه تریاندیس، فردگرایی - جمع‌گرایی است. از این رو، سؤال و هدف اصلی در این پژوهش، مطالعه‌ی رابطه‌ی میان فردگرایی - جمع‌گرایی با نگرش به کنترل باروری و رفتار آن در عمل است. جامعه‌ی آماری این پژوهش، زنان ازدواج کرده ۲۰-۴۹ ساله‌ی شهر تهران هستند که احتمال بیشتری برای باروری در آنها وجود دارد. شیوه‌ی نمونه‌گیری مبتنی بر نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای احتمالی است؛ به این معنا که در مرحله‌ی اول از میان مناطق مختلف ۲۲ گانه‌ی شهر تهران، سه منطقه انتخاب شدند؛ منطقه‌ی ۳ به عنوان نماینده‌ی منطقه‌ی بالا، منطقه‌ی ۱۱ به مثابه نماینده‌ی منطقه‌ی متوسط و منطقه‌ی ۱۹ به عنوان منطقه‌ی پایین در نظر گرفته شده‌اند. این انتخاب بر اساس شاخص رفاه - که از طریق پژوهش‌کده‌ی مرکز آمار ایران (۱۳۸۷) و با تکنیک تاکسونومی استخراج شده - انجام شده است. ابزار تحقیق پرسش‌نامه بود که در میان ۲۱۴ زن ساکن در تهران توزیع گردید. این تعداد بر اساس فرمول کوکران و با در نظر گرفتن خطای کمتر از ۰/۰۵ محاسبه شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، بین جهت‌گیری ارزشی با نگرش به کنترل باروری و رفتار آن، رابطه‌ی معناداری وجود دارد و هر چه زنان فردگراتر باشند، به کنترل باروری گرایش بیشتری داشته و در عمل نیز بیشتر به کنترل باروری می‌پردازند؛ بالعکس هر چه جمع‌گراتر باشند، گرایش و رفتار باروری یا فرزندآوری در آنها افزایش می‌یابد.

واژگان کلیدی

باروری، جهت‌گیری ارزشی، فردگرایی - جمع‌گرایی زنان، نگرش به کنترل باروری، رفتار باروری.

*- استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول) (Amir_Rastegarkhaled@yahoo.com)

** - کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران (m_m.1366@yahoo.com)

*** - کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد تهران (naser_riahi@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۱۷

۱. مقدمه و بیان مسئله

پس از جنگ جهانی دوم، ایران نیز همچون بسیاری از کشورهای دیگر دنیا مراحل انتقال جمعیتی^۱ را با کاهش اساسی و مستمر مرگومیر آغاز کرد، اما در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۶۰ به سبب تحولات سیاسی- اجتماعی این دهه‌ها و به ویژه شرایط ناشی از جنگ، با رشد بی‌سابقه و شتابان جمعیت مواجه شد به گونه‌ای که معدل رشد سالانه‌ی جمعیت در این چهار دهه به رقمی حدود ۳ درصد رسید. با این حال در دهه‌ی دوم انقلاب و پس از آن کاهش نرخ مولید رخ داد؛ به گونه‌ای که این میزان تا زمان آخرین سرشماری رسمی کشور (۱۳۹۰) به حدود ۱/۲۹ درصد رسیده که به نسبت پایین است. تجزیه‌ها و تحلیل‌های جمعیت‌شناختی نیز نشان می‌دهد که کشور ایران پس از تجربه‌ی کاهش باروری^۲ وارد مرحله‌ی جدیدی در تغییرات جمعیتی شده است به گونه‌ای که بنا به گفته‌ی کارشناسان هم اکنون طرز تلقی خانواده‌های ایرانی نسبت به فرزندآوری تغییر کرده است. در حال حاضر، ایران جزء ۱۰ کشوری در جهان است که به سرعت به سمت کهن‌سالی پیش می‌رود و از این جهت در جایگاه ششم جهان قرار دارد. بنابراین این پیش‌بینی دور از انتظار نیست که با تداوم این روند، نرخ باروری در سال‌های آتی به صفر و کمتر از آن برسد. این در حالی است که به نظر می‌رسد پدیده‌ی کم‌فرزندی، تک‌فرزندی یا بی‌فرزندی اکنون به شاخصی از زندگی مدرن تبدیل شده و بسیاری از زوج‌های جوان از آن استقبال می‌کنند. این عامل باعث شده تا سن باروری افزایش یافته و تمایل زوجین برای بچه‌دار شدن و مادر بودن کاهش یابد. براساس تحقیقی، مشخص شد که ۶۰ درصد از زنان نسل جدید علاقه‌ای به بچه‌دار شدن ندارند (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۱).

تغییرات باروری را می‌توان با تغییرات و برنامه‌ریزی‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مرتبط دانست؛ همچنان که برخی از محققان داخلی و خارجی رابطه‌ی برخی از این متغیرها با باروری را مطالعه کرده‌اند. با این حال، تأثیر متغیرهای فرهنگی کمتر بررسی شده است. جالب این که بر اساس داده‌ها، ایران در دهه‌های اخیر یعنی هم‌زمان با کاهش شدید باروری، دگرگونی‌های فرهنگی به نسبت زیادی^۳ را تجربه کرده است. به عبارتی، کاهش باروری در دوره‌های زمانی مختلف در ایران، متناسب با تحولاتی از ابعاد سنتی خانواده بوده است؛ تغییراتی همچون دگرگونی از خانواده‌ی گسترده به هسته‌ای، خانواده‌گرایی به فردگرایی، کنترل خانواده روی فرزندان به استقلال جوانان، ازدواج‌های از پیش ترتیب داده شده به ازدواج‌هایی بر اساس عشق و انتخاب، ازدواج در

1- Population Transition

2- Fertility

3- Large cultural changes

سنین جوانی به ازدواج در سن بالا و ... از جمله تغییراتی است که حتی از دیدگاه نظریه‌پردازان غربی نیز دور نمانده است (Tapies & Ward, 2008). یکی از متغیرهای فرهنگی مهمی که در دهه‌های اخیر تغییرات گسترده‌ای داشته، جهت‌گیری ارزشی است که بالاترین نمود آن فردگرایی-جمع‌گرایی است؛ هافستد^۱ در تحقیق خود رتبه‌ی فردگرایی در ایران را کمی بیش از متوسط نشان داده است (اعظم‌زاده و توکلی، ۱۳۸۶: ۱۰۳). داده‌های تحقیق منصور معدل نیز نشان می‌دهند که بین سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵ گرایش به استقلال فردی^۲ در ایران گسترش یافته است. همچنین مطالعات پیشین در ایران نشان می‌دهد، میزان فردگرایی میان جوانان نشانگر غلبه‌ی فردگرایی بر جمع‌گرایی در بین آنها بوده است (آزاده و توکلی، ۱۳۸۶؛ خسروشاهی، ۱۳۸۹). بنا بر این داده‌ها، ارزش‌ها در ایران به طرف ارزش‌های خود مختاری در حرکت‌اند (Moaddel, 2010). بنابراین می‌توان ادعا کرد که فردگرایی در ایران در حال افزایش است.

این تحقیق قصد دارد، تأثیر فردگرایی و جمع‌گرایی را به عنوان دو مؤلفه‌ی اساسی از جهت‌گیری ارزشی در ارزش فرزندان و در نتیجه رابطه‌ی آن را با نگرش به کنترل باروری و رفتار آن بین زنان متأهل بررسی کند. بنابراین سؤال اصلی این تحقیق آن است که آیا جمع‌گرایی-فردگرایی با دگرگونی در ارزش فرزندان و به تبع آن کنترل باروری در میان زنان رابطه دارد یا خیر؟ و در صورت وجود، چنین رابطه‌ای تا چه حد و در چه جهتی است؟

۲. پیشینه‌ی پژوهش

تا کنون برخی از تحقیقات داخلی و خارجی تأثیر برخی از متغیرهای فرهنگی در باروری را بررسی کرده‌اند که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود.

پژوهشی با عنوان استقلال زنان و کنش‌های باروری در میان زنان کرد شهر مهاباد در سال ۱۳۹۱ انجام شد. داده‌ها با استفاده از پیمایش انجام شده در سال ۱۳۹۱ بر روی ۷۰۰ خانوار، جمع‌آوری شد. نتایج نشان داد که زنان بررسی شده در همه‌ی شاخص‌های مرتبط با استقلال زنان، استقلال نسبی دارند. بر اساس این بررسی، بیش از ۶۱ درصد زنان اظهار داشته‌اند که تمایل ندارند فرزند دیگری داشته باشند. در میان آنهایی که تمایل به ادامه‌ی فرزندآوری دارند، نزدیک به ۷۰ درصد شمار فرزندان ایده‌آل برای یک خانواده را دو فرزند می‌دانستند. نتایج تحلیل طبقه‌بندی چندگانه نشان داد که ایده‌آل‌ها و تمایلات فرزندآوری زنان به ترتیب از شاخص‌های مستقیم و غیرمستقیم استقلال زنان تأثیر می‌پذیرند. با توجه به نتایج این تحقیق، انتظار نمی‌رود

1- Hofstede

2- individual autonomy

که سیاست‌های جمعیتی در راستای تشویق مولید، به افزایش باروری در همه‌ی لایه‌های اجتماعی منجر شود (حسینی و بلال بگی، ۱۳۹۱).

عنایت و همکاران در پژوهشی در ارتباط با نگرش باروری دو نسل مادران و دختران و عوامل فرهنگی مرتبط با آن که به روش پیمایش و از طریق تکنیک مصاحبه با ۳۰۰ مادر و ۳۰۰ دختر انجام شد، به این نتیجه دست یافتند که عوامل فرهنگی (تحصیلات و استفاده از رسانه‌های جمعی) بهترین توضیح دهنده‌ی سطوح تفاوت باروری بین دو نسل مادران و دخترانشان است. آنها مطرح کردند که باروری مادران و دختران روند نزولی خود را در ایران طی می‌کند (عنایت و همکاران، ۱۳۹۰). عباسی‌شوازی در سال ۱۳۸۹ درباره‌ی تأثیر متفاوت ابعاد استقلال زنان در رفتار باروری آنها در ایران پژوهشی را طراحی کرد. این مطالعه از داده‌های طرح بررسی ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی خانوار در سال ۱۳۸۰ که مرکز آمار ایران انجام داده بود، بهره گرفت. این طرح تعداد ۶۹۶۰ خانوار را در کل کشور تحت پوشش قرار داد و در آن با ۵۱۲۴ زن ۱۵ الی ۴۹ سال مصاحبه شد، که علاوه بر ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی زنان خانوار و زنان مورد مطالعه، جنبه‌های مختلف استقلال آنها با گزینه‌های متفاوتی سؤال شد. یافته‌های این تحقیق نشان داد که افزایش استقلال زنان در دو بُعد اطلاعاتی و جابه‌جایی با باروری آنها رابطه‌ای معکوس دارد، درحالی‌که در ارتباط با شاخص استقلال تصمیم‌گیری و نحوه‌ی مشارکتی اتخاذ تصمیم زوجها در موضوعات متفاوت خانوادگی، به باروری سطح پایین و افزایش میزان استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری منجر می‌شود. نتایج کلی نشان داد که زنان مستقل‌تر، باروری پایین‌تری را تجربه کرده‌اند (عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۸۹).

هارا در پژوهشی به موضوع بی‌فرزندی در کشورهای آلمان و ژاپن پرداخته و شواهدی از کاهش باروری و افزایش بی‌فرزندی را در این کشورها نشان می‌دهد. وی سپس به تغییرات عصر حاضر اشاره کرده و مهم‌ترین آنها را گسترش آزادی فردی و نیل به استعدادهای فردی یا خودشکوفایی می‌داند (Hara, 2008).

دیوید هاکر نیز با استفاده از نمونه‌های IPUMS در سال‌های ۱۸۸۰ و ۱۸۵۰، به مطالعه‌ی همبستگی‌های باروری در میان زنان سفیدپوست می‌پردازد و روی ارتباط میان مذهب و باروری تمرکز می‌کند. بر اساس دیدگاه وی، دو نماینده از احساسات مذهبی هستند که با باروری رابطه‌ی معناداری دارند؛ اول داده‌های سرشماری در سطح شهرستان نشان می‌دهد که کلیساروها باروری پایینی داشتند، درحالی‌که حضور لوتریان‌ها با باروری زناشویی بالاتری همراه بود. دوم نسبت کودکان با نام‌های مقدس - که تصور می‌شد نشان‌گر تولد این فرزندان در خانواده‌های مذهبی باشد - به گونه‌ای مثبت با باروری زناشویی همراه است (Hacker, J. 1992).

لستق و وندکا در سال ۱۹۸۶ با طرح نظریه‌ی گذار دوم جمعیتی، آن را محصول تغییراتی می‌دانند که در حوزه‌ی ارزش‌های خانوادگی رخ داده است. آنها تأخیر و کاهش ازدواج، افزایش طلاق و افزایش در هم‌خوابگی‌های خارج از ازدواج را در قالب «نظریه‌ی گذار دوم» مطرح می‌کنند. لستق شیوع فردگرایی را به عنوان یکی از اصلی‌ترین تغییرات فرهنگی قرن اخیر که بیشتر نظریه‌پردازان آن را مطرح کرده‌اند، نام می‌برد (Lesthaeghe & Van de Kaa, 1986).

با مروری بر پژوهش‌های انجام شده می‌توان گفت، هیچ کدام از پژوهش‌ها به طور خاص بر فردگرایی - جمع‌گرایی تمرکز نکرده‌اند و اغلب به رابطه‌ی باروری با استقلال فردی پرداخته‌اند. علاوه بر این، مطالعات انجام شده، تنها رفتار باروری و نه نگرش به آن - که پیش از کنترل باروری قرار می‌گیرد - را مطالعه کرده‌اند. این تحقیق با در نظر گرفتن فردگرایی - جمع‌گرایی تلاش می‌کند، رابطه‌ی آن را با نگرش به باروری و رفتار کنترل باروری با هم بسنجد.

۳. مبانی و چارچوب نظری پژوهش

جمع‌گرایی با اهمیت اهداف گروه برای فرد و تبعیت از هنجارها و پذیرش اقتدار و مشارکت تعریف می‌شود. هوفستد معتقد است که در فرهنگ‌های جمع‌گرا افراد احساس می‌کنند به گروه و اجتماع خود تعلق خاطر عمیق دارند. این در حالی است که در فرهنگ‌های فردگرا، خود فرد و امیال و احساسات او اهمیت بیشتری دارد (هوفستد، ۱۳۸۷: ۱۱۶). این مفهوم فرد را واقعی‌تر یا بنیادی‌تر و مقدم بر جامعه‌ی بشری و نهادها و ساختارهای آن تلقی می‌کند. همچنین در مقابل جامعه یا هر گروه جمعی دیگر، برای فرد ارزش اخلاقی والاتی قائل است. در این دیدگاه، گرایش به دیدن واحد انسانی به صورت مجزاست و جامعه یا جهان به مثابه زمینه یا بافت در نظر گرفته می‌شود. بنابراین برای انسان درجه‌ی بالایی از کمال و خودکفایی قائل است (آربلاستر^۱، ۱۳۷۷). فردگرایی وجوه مثبت و منفی دارد. فردگرایی منفی به خودمداری، کسب سود شخصی به قیمت متضرر شدن دیگران، اتکای افراطی به خود، داشتن شخصیت اقتدارگرا و ... معطوف است (تریاندیس، ۱۳۷۸). تئوری‌های فرهنگی - که تأثیر دگرگونی‌های ارزشی را در باروری مطالعه می‌کنند - در اواخر قرن بیستم و پس از روشن شدن ناکارآمد بودن سایر نظریه‌های ارائه شده در این باره مطرح شدند. پرداختن به عوامل ارزشی و به ویژه نقش فردگرایی - جمع‌گرایی در تبیین نرخ باروری بیشتر با کار وندکا و لستق تحت «نظریه‌ی گذار دوم جمعیتی» آغاز شد. لستق و ویلسون (۱۹۸۶)، کله‌لند و ویلسون^۲ (۱۹۸۷) بر اساس یافته‌های حاصل از پروژه‌ی باروری اروپاییان و مشاهدات گذار در

1- Arblaster

2- wilson

بسیاری از کشورهای در حال توسعه استدلال کرده‌اند که کاهش باروری با انتشار دانش و عقاید جدید درباره‌ی تنظیم باروری به جای تغییر در عوامل اقتصادی- اجتماعی یا نهادهای اجتماعی ایجاد می‌شود (Abbasi-shavazi & et al, 2009:10). در انتقال دوم جمعیتی، قضیه‌ی اصلی تغییرات فرهنگی و ارزشی است. در این رویکرد اهمیت دیدگاه‌های مردم درباره زندگی، فلسفه‌ی اجتماعی‌شان و جهت‌گیری ایدئولوژیکی‌شان درباره‌ی فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند، برجسته می‌شود (Lesthaeghe & Van de Kaa, 1983:419).

از دیدگاه لستق و وندکا، از حدود نیمه‌ی دهه‌ی ۱۹۶۰ به بعد تغییراتی در روابط جنسی، ازدواج و خانواده در این کشورها رخ داد. کاهش میزان ازدواج، افزایش میزان طلاق، افزایش میانگین سن در اولین ازدواج، رواج هم‌خوابگی و افزایش مولید نامشروع از نشانه‌های تغییر در الگوهای باروری است. لستق و وندکا این تغییرات را به تغییرات ارزشی نسبت می‌دهند (Hara, 2008: 56)؛ یعنی تغییر از ارزش‌های جامعه‌محور- ارزش‌های مادی- به ارزش‌های فردمحور- پسامادی- (سرای، ۱۳۸۷: ۱۲۰)، که باعث تغییر در میزان ارزش فرزند نزد انسان‌ها شده است. وندکا در مطالعه‌ی پیرامون ارجحیت‌های باروری پست مدرن، تغییرات ارزشی و ظهور رفتارهای جدید مرتبط با آن را بررسی کرده است (Lesthaeghe & Van de kaa, 1986).

پست‌مدرنیسم یکی از مفاهیم و دیدگاه‌های عمده و تأثیرگذار قرن بیستم است که با رویکردی متفاوت از دیدگاه‌های مدرن به پدیده‌های زندگی اجتماعی انسان‌ها می‌پردازد. وندکا در مطالعات خود درصدد بود که ارتباط این دیدگاه را با پدیده‌های جمعیت‌شناختی امروزی بررسی کند تا شاید بتواند پدیده‌های جمعیت‌شناختی و از جمله دیدگاه انتقال دوم را کنکاش کند. وی بیش از آنکه پست‌مدرنیته را به عنوان یک دوره‌ی زمانی در نظر بگیرد، سعی دارد از آن به عنوان نوعی رویکرد و جهت‌گیری ارزشی نام ببرد و به همین دلیل بر اساس داده‌های بین‌المللی به ویژه پیمایش ارزش‌های جهانی اینگلهارت^۱ دیدگاه‌های مدرن، ماتریالیستی و پست‌ماتریالیستی و پست‌مدرن را از هم تفکیک می‌کند و جایگاه هر یک از این جهت‌گیری‌های ارزشی را در ارتباط با پدیده‌ی فرزندآوری در کشورهای مختلف بررسی می‌کند. از نظر وی انتقال از جهت‌گیری ماتریالیستی به پست‌ماتریالیستی یکی از عناصر اصلی اساسی پست مدرن بودن است. وندکا معتقد است که بین تغییر در جهت‌گیری ارزشی و تغییر در روندهای دموگرافیک ارتباط قوی وجود دارد. برای نمونه او نشان داده است که هرچه نمره‌ی ارزش‌های پست‌ماتریالیستی بیشتر باشد، به همان اندازه سهم بیشتری از باروری در سنین بالای ۳۰ سال خواهد بود.

از نظر وندکا ظهور ارزش‌های پست‌مدرنیستی می‌تواند با بروز رفتارهای منطبق با آنچه انتقال دوم جمعیت‌شناختی (از جمله باروری پایین و یا به تأخیر اندازی فرزندآوری و...) نامیده شده‌اند، همراه باشد. بر پایه‌ی این رویکرد فرض بر این است که رشد فردگرایی و میل به خودشکوفایی، به عنوان ویژگی گذار دوم، معمولاً رابطه‌ی مستقیمی با اهداف باروری مردم و میانگین اندازه‌ی خانواده داشته است (Lesthaeghe & Van de Kaa, 1986:2-4).

از این رو نظریه‌ها فردگراشدن^۱ را به عنوان بانفوذترین نیرو در تغییر نگرش‌های مربوط به زناشویی و دیگر پیوندهای جنسی شناسایی می‌کنند. این نظریه‌ها به همراه سایر تئوری‌هایی که پس از آن در این باره ارائه شده‌اند، بر تأثیر یا نقش متغیرهای فرهنگی و به ویژه جهت‌گیری ارزشی (جمع‌گرایی - فردگرایی) در نرخ‌های باروری تأکید کرده‌اند.

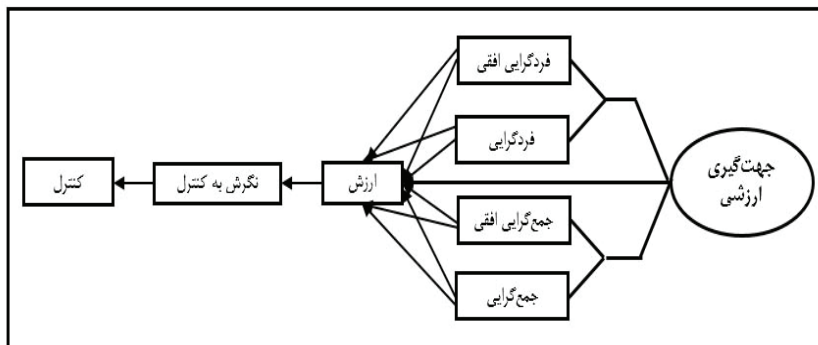
نظریه‌های لستق و وندکا، تریاندیس و هارا در رابطه‌ی میان فردگرایی و باروری نظریه‌های اصلی استفاده شده در این پژوهش هستند. از دیدگاه این نظریه‌پردازان - که تأثیر تغییرات فرهنگی در نرخ‌های باروری به ویژه در کشورهای غربی را مطالعه کرده‌اند - ارزش‌هایی مانند جمع‌گرایی یا فردگرایی می‌توانند سطوح باروری را در کشورهای مختلف تحت تأثیر قرار دهند. در این مطالعه، با در نظر گرفتن متغیر ارزش فرزند - که برگرفته از نظریه‌ی بکر است - به عنوان متغیری میانجی - که پیش از تغییر نرخ باروری از دگرگونی‌های ارزشی متأثر می‌شود، به تحقیق در این رابطه پرداخته شده است.

در این تحقیق، رابطه‌ی مؤلفه‌ی جمع‌گرایی - فردگرایی با باروری بررسی شده است، زیرا به باور محقق هم‌زمان با شروع روند کاهش باروری - چه در کشورهای غربی و چه در دیگر کشورها - تغییرات فرهنگی و ارزشی گسترده‌ای در کشورها ایجاد شد که خود می‌تواند به عنوان عامل مهمی در تبیین دگرگونی‌های اخیر رخ داده در زمینه‌ی باروری در آنها باشد. از نظر بسیاری از صاحب‌نظران از جمله وبر و گیدنز یکی از جنبه‌های مهم جامعه‌ی مدرن، غلبه‌ی فردگرایی بر جمع‌گرایی است که تغییراتی را در حوزه‌ی آگاهی و کنش افراد به وجود می‌آورد. از نظر محقق، چنین تغییری در درجه‌ی اول می‌تواند به دلیل تغییرات عمده‌ای باشد که در نگرش انسان‌ها و جامعه نسبت به فرزند، و بنابراین کاهش ارزش فرزند نزد آنها باشد. از این رو جهت‌گیری ارزشی می‌تواند به دو گونه‌ی مستقیم و غیرمستقیم (از طریق تغییراتی که نگرش انسان‌ها نسبت به ارزش فرزند ایجاد می‌کند) باروری و سطوح آن را تحت تأثیر و تغییر قرار دهد. چنین رابطه‌ای به این شکل در نظر گرفته شده که فردگرایی، از آنجا که بر اهمیت فرد و پیاده شدن خواسته‌های

فردی او تأکید دارد، بنابراین می‌تواند بر ارزش فرزند نزد فرد در مقایسه با زمانی که او ارزش‌های جمع‌گرایانه دارد، تأثیر منفی بگذارد.

این مطالعه به هر دو جنبه‌ی مثبت و منفی فردگرایی و جمع‌گرایی توجه دارد و تلاش می‌کند تا ارتباط آنها را با ارزش فرزند نزد پاسخ‌گویان و بنابراین با نگرش به کنترل باروری (ذهنی) و رفتار باروری (عینی) مطالعه کند. از این رو در این پژوهش، متغیر ارزش فرزند - به عنوان متغیر میانجی - واسطه‌ی میان ارزش‌های فردگرایانه و جمع‌گرایانه با نگرش به کنترل باروری و بنابراین رفتارهای باروری قرار می‌گیرد. بر این اساس، فرضیه‌های زیر را می‌توان مطرح کرد:

۱. بین جهت‌گیری ارزشی فردگرایی با ارزش فرزند رابطه وجود دارد.
۲. بین جهت‌گیری ارزشی جمع‌گرایی با ارزش فرزند رابطه وجود دارد.
۳. بین فردگرایی با نگرش به کنترل باروری رابطه‌ی مثبتی وجود دارد.
۴. بین جمع‌گرایی با نگرش به کنترل باروری رابطه‌ی منفی وجود دارد.
۵. بین فردگرایی با رفتار کنترل باروری رابطه‌ی مثبت وجود دارد.
۶. بین جمع‌گرایی با رفتار کنترل باروری رابطه‌ی منفی وجود دارد.
۷. بین ارزش فرزند با نگرش به کنترل باروری رابطه وجود دارد.
۸. بین ارزش فرزند با کنترل باروری رابطه وجود دارد.
۹. جهت‌گیری ارزشی از طریق ارزش فرزند با نگرش به کنترل باروری رابطه دارد.
۱۰. جهت‌گیری ارزشی از طریق ارزش فرزند با کنترل باروری رابطه دارد.



شکل ۱: مدل نظری پژوهش

۴- روش‌شناسی پژوهش

شیوه‌ی انجام این تحقیق پیمایشی و از نوع توصیفی- تحلیلی است. در این تحقیق، تأثیر فردگرایی و جمع‌گرایی - به عنوان یکی از مهم‌ترین جهت‌گیری‌های ارزشی - در نگرش به باروری کم به عنوان کنشی عقلانی که برخاسته از تصمیمات زوجین است، بررسی شده است. جامعه‌ی آماری این تحقیق را کلیه‌ی زنان متأهل ۲۰ تا ۴۹ ساله‌ی شهر تهران (۲۲ منطقه)، که براساس تحقیقات از آنها انتظار باروری می‌رود، تشکیل داده‌اند. بر اساس داده‌های منتشر شده از سوی سازمان ثبت احوال کشور - که رسمی‌ترین متصدی ثبت وقایع حیاتی فرزندآوری است - بیشترین زنان ازدواج کرده در سال‌های اخیر در گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ ساله قرار دارند. از سوی دیگر، بر اساس نظریات جامعه‌شناختی، از زنان بالای ۴۹ سال با توجه به مسائل فیزیولوژیکی خاص آنها، انتظار باروری بسیار کم است. بنابراین حداکثر سن ۴۹ سال برای باروری زنان در نظر گرفته شده است (تمنا و کیاچوری، ۱۳۹۳). تعداد این جمعیت از آنجا که بر اساس آمار سازمان ثبت احوال کشور در حال حاضر تقریباً سه میلیون زوج در تهران هستند، بالغ بر ۱/۵ میلیون نفر تخمین زده می‌شود (رستگار خالده و محمدی، ۱۳۹۴). با توجه به جمعیت قابل شمارش و منابع مالی و زمان در دسترس تحقیق و با استناد به فرمول کوکران، حجم نمونه ۲۱۴ نفر به دست آمد. شیوه‌ی نمونه‌گیری مبتنی بر نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای احتمالی است. به این ترتیب که در مرحله‌ی اول از میان مناطق مختلف ۲۲ گانه‌ی تهران، سه منطقه از سطوح بالا، متوسط و پایین انتخاب شدند. منطقه‌ی ۳ به عنوان نماینده‌ی منطقه‌ی بالا، منطقه‌ی ۱۱ به مثابه نماینده‌ی منطقه‌ی متوسط و منطقه‌ی ۱۹ به عنوان منطقه‌ی پایین در نظر گرفته شده‌اند.^۱ این انتخاب بر اساس شاخص رفاه^۲ انجام شده است. در مرحله‌ی بعد، از میان هر یک از مناطق، تعداد ۵ بلوک و از هر بلوک، تعداد ۱۳ منزل یا مسکن تصادفی انتخاب شده و سپس به زنانی که در قالب جامعه‌ی آماری این پژوهش قرار می‌گیرند، پرسش‌نامه‌های تحقیق داده شد تا تکمیل شوند. ابزار تحقیق در این مطالعه پرسش‌نامه است. پرسش‌نامه‌ی اول متعلق به تریاندیس است که متغیر مستقل این پژوهش یعنی فردگرایی (و جمع‌گرایی) را در دو بعد می‌سنجد. برای اندازه‌گیری ارزش فرزند از پرسش‌نامه‌ی لوکاس و میر استفاده شد (لوکاس و میر، ۱۳۸۴). مقیاس نگرش به کنترل باروری و کنترل رفتار باروری نیز از تعدادی پرسش‌نامه (میری و همکاران، ۱۳۸۴؛ مظلومی و همکاران، ۱۳۸۵) برگرفته شد که از میان آنها گویه‌هایی که با نظر اساتید مناسب‌تر تشخیص داده شد، انتخاب شدند.

۱- به این ترتیب که منطقه‌ی ۳ با رتبه‌ی ۲ در شاخص رفاه به عنوان اولین منطقه انتخاب شده و پس از آن با فاصله‌ی ۸ در رتبه‌ها حرکت کرده‌ایم. به این ترتیب ۲ منطقه‌ی دیگر که نماینده‌ی مناطق متوسط و پایین است، انتخاب شده‌اند.
۲- از طریق پژوهشکده‌ی مرکز آمار ایران توسط عباس محمدی‌زاده اصل (۱۳۸۷) استخراج شده و از تکنیک تاکسونومی بهره گرفته است.

۴-۱. تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای تحقیق

متغیرهای اصلی تحقیق حاضر را جهت‌گیری ارزشی و نگرش به کنترل باروری و رفتار آن تشکیل می‌دهند. نگرش می‌تواند به عنوان یک گرایش و آمادگی برای پاسخ‌گویی مطلوب یا نامطلوب نسبت به اشیا، اشخاص، مفاهیم یا هر چیز دیگری تلقی شود. در مجموع نگرش به کنترل باروری به معنای میزان اهمیتی است که فرد نسبت به این پدیده، یعنی میزان گرایش نسبت به بچه‌دار شدن دارد؛ بنابراین هر چه انسان‌ها نگرش منفی‌تری نسبت به کنترل باروری داشته باشند، احتمال بچه‌دار شدن آنها افزایش می‌یابد و برعکس، نگرش مثبت نسبت به کنترل باروری از سوی پاسخ‌گویان می‌تواند در آینده کم بودن تعداد فرزندان و یا حتی بی‌فرزندگی را برای آنها به همراه داشته باشد. کنترل باروری به معنای تصمیم‌نهایی والدین برای فرزندآوری و تعداد آن است (محمودیان و همکاران، ۱۳۹۱) و در این تحقیق بر مبنای پاره‌ای از نظریه‌های اشاره شده، فرض بر آن است که چنین کنترلی در کنار متغیرهای دیگر تا حدودی می‌تواند با نگرش والدین نسبت به کنترل باروری مرتبط باشد. بنابراین پاسخ‌گویان با نگرش مثبت نسبت به کنترل باروری، کمترین میزان باروری را داشته و پاسخ‌گویان با نگرش منفی نسبت به کنترل باروری، برای داشتن تعداد فرزند بیشتر در آینده احتمال بالاتری خواهند داشت.

ارزش فرزند: ارزش به نظر آگ‌برن و نیم‌کف اهمیتی است که جامعه به واقعه یا امری می‌دهد (آگ‌برن و نیم‌کف، ۱۳۸۱). بنا بر دیدگاه لیدنزی، ارزش‌ها نشان‌دهنده‌ی مجموعه‌ای از گرایش‌ها و معیارها نزد افراد در موقعیت‌های مختلف اجتماعی است که هدف‌های کلی را در زندگی تعیین می‌کند و در نگرش‌ها یا کنش‌های فرد متجلی می‌شود. بنابراین ارزش فرزندان می‌تواند به عنوان مجموعه چیزهای خوبی که والدین با داشتن فرزندان دریافت می‌کنند تعریف شود (Espenshade, 1997: 4). در نتیجه کسانی که برای فرزند ارزش زیادی قائل‌اند، خواه این ارزش اقتصادی باشد یا اجتماعی و ...، با احتمال بیشتری صاحب فرزندان زیادتری خواهند شد. متغیر ارزش فرزند در این تحقیق به عنوان متغیر میانجی یا واسط در نظر گرفته شده است.

جهت‌گیری ارزشی: جهت‌گیری ارزشی یعنی کنش‌گر در ارتباط با هر امر عینی اعم از فیزیکی، فرهنگی و یا اجتماعی و با توجه به خصایل آن ارزش‌یابی می‌کند و این ارزش‌یابی در جهت‌گیری ارزشی وی متجلی می‌شود که اساساً بر پایه‌ی یک ترجیح ارزشی معین شکل می‌گیرد (چلبی، ۱۳۷۵: ۶۲-۵۹). برای تعریف جهت‌گیری ارزشی فردگرایی و جمع‌گرایی از مفهوم‌سازی تریاندیس استفاده شده است. در این منظر فردگرایی با توجه به جهت‌گیری ارزشی مخالف آن یعنی جمع‌گرایی بررسی می‌شود (تریاندیس، ۱۳۷۸: ۲۶۶-۲۵۹). تریاندیس با شناسایی ویژگی‌های این دو فرهنگ درصدد ساختن مقیاسی برای اندازه‌گیری خصوصیات فرهنگ‌های فردگرا و جمع‌گرا

بوده است. فرد جمع‌گرا با گروه اهداف مشترک داشته، لذا مشابه دیگر افراد رفتار کرده و دستورات اجتماعی را به عنوان هنجاری پذیرفته و تردیدناپذیر تلقی می‌کند (اعظم‌زاده و توکلی، ۱۳۸۶: ۱۰۲). در مقابل به نظر او جمع‌گرایی از اصول خاصی پیروی می‌کند که عبارت‌اند از: تعریف خود هم‌بسته با دیگران است، پیروی از هنجارهای درون گروه برای فرد اهمیت دارد، افراد اختلاف‌شناختی کمی را تجربه می‌کنند و برای آنها، اطاعت، وظیفه‌شناسی و هماهنگی با گروه در اولویت قرار می‌گیرد. در جمع‌گرایی بر یکپارچگی و اطاعت از گروه تأکید شده و رفتار هر کس انعکاسی از هنجارهای مطلوب جامعه دانسته می‌شود. بنابراین جمع‌گرایی با اهمیت اهداف گروه برای فرد و تبعیت از هنجارها، فرمان‌برداری، پذیرش اقتدار و مشارکت تعریف می‌شود. تریاندیس برای دقت هر چه بیشتر، مفاهیم افقی و عمودی را به جمع‌گرایی و فردگرایی می‌افزاید. در هر دو، حالت افقی نشان‌دهنده وضعیتی است که در آن بر برابری تأکید می‌شود و حالت عمودی سلسله‌مراتب در روابط را نشان می‌دهد (اعظم‌زاده و توکلی به نقل از برگر، ۱۳۸۱).

در فردگرایی افقی شخص می‌خواهد که منحصر به فرد و از گروه متمایز باشد، اما علاقه‌ای به برجسته‌شدن ندارد؛ یعنی فردگرایی افقی بر استقلال فردی، خودشکوفایی، تساهل و احترام به حریم خصوصی ارجح می‌گذارد (تریاندیس، ۱۳۷۸). در فردگرایی عمودی تشخیص پایگاهی مد نظر است و این کار از طریق رقابت با دیگران انجام می‌شود. به عبارت دیگر در فردگرایی عمودی رقابت بین فردی و تلاش برای دستیابی به جایگاه بالاتر در هرم قدرت تشویق می‌شود. جمع‌گرایی عمودی بر ضرورت وجود یک هرم ساخت‌یافته قدرت و تقدم جمع بر فرد تأکید دارد. در جمع‌گرایی افقی بر هویت جمعی و هماهنگی گروهی همراه با تساوی و برابری اعضاء تأکید می‌شود. سرانجام، این متغیر از طریق گویه‌های پرسش‌نامه محمودیان (۱۳۹۱) سنجیده شده است. در ضمن، کلیه متغیرهای این پژوهش در پرسش‌نامه در قالب طیف‌های ۵ دسته‌ای از «بسیار ضعیف تا بسیار قوی» سنجیده شده است.

۴-۲. اعتبار و پایایی

برای اعتبار بخشیدن به پرسش‌نامه‌ها از اعتبار صوری بهره برده شد. به این معنا که برای اعتبار گویه‌های نگرش به کنترل باروری، کنترل عملی باروری و جهت‌گیری ارزشی، بیشتر از گویه‌های به کار رفته در تحقیقات مهم پیشین^۱ استفاده شده که نشان دهنده اعتبار این گویه‌هاست. سرانجام پرسش‌نامه نهایی برای کسب پایایی، به شکل تصادفی بین ۴۰ نفر از اعضای جامعه آماری توزیع شد. برای ارزیابی گویه‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و برای هر یک از ابعاد نیز این ضریب به صورت جداگانه، محاسبه و در نهایت گویه‌های دقیق‌تر انتخاب شدند. مقدار

آلفای به دست آمده برای پرسش‌نامه‌ی این پژوهش ۷۲ درصد به دست آمد. جدول شماره‌ی ۱ اندازه‌ی این آزمون را برای هر یک مؤلفه‌های دو متغیر اصلی نشان می‌دهد.

جدول ۱: داده‌های حاصل از آزمون کرونباخ

تعداد گویه‌ها	اندازه‌ی آزمون	آزمون کرونباخ
۲	۰/۳۴۹	رفتار باروری
۱۵	۰/۹۳۶	نگرش به کنترل باروری
۲۴	۰/۹۶۵	ارزش مثبت فرزند
۲۰	۰/۹۲۲	ارزش منفی فرزند
۲۰	۰/۹۳۶	فردگرایی مثبت
۱۱	۰/۹۲۱	فردگرایی منفی

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. یافته‌های توصیفی

داده‌ها نشان می‌دهند که حدود ۴۹ درصد از پاسخ‌گویان در گروه سنی ۴۰ تا ۴۹ سال قرار دارند و این گروه در مقایسه با سایر دسته‌ها بیشترین میزان فراوانی را دارند. پس از آن ۴۰ درصد از نمونه‌ی تحقیق در گروه سنی ۳۱ تا ۳۹ سال و ۱۱ درصد در گروه سنی ۲۲ تا ۳۰ سال بوده‌اند. از لحاظ خاستگاه جغرافیایی، ۶۷ درصد از زنان خاستگاه خود را شهر و بقیه خاستگاه خویش را روستا معرفی کرده‌اند. بنابراین در مجموع بیشتر پاسخ‌گویان این پژوهش خاستگاه شهری دارند. ۴۷ درصد از زنان میزان تحصیلات خود را لیسانس عنوان کرده‌اند که بیشترین میزان فراوانی را دارد. کمتر از ۲ درصد نیز بی‌سواد بوده‌اند. از سوی دیگر ۳۸ درصد از زنان مدت ازدواج خود را میان ۱۱ تا ۱۵ سال و ۱۰/۵ درصد از آنها بین ۲۱ تا ۲۶ سال بیان کرده‌اند. ۵۵ درصد از پاسخ‌گویان اعلام کرده‌اند که ۲ فرزند دارند و این گروه در مقایسه با سایر گروه‌ها بیشترین میزان فراوانی را دارند.^۱ در مقابل، کمتر از ۱ درصد از پاسخ‌گویان گفته‌اند که ۴ فرزند دارند. ۵۳ درصد از زنان خانه‌دار بوده و ۴۷ درصد از آنها شاغل‌اند.

۱- بنابراین می‌توان جامعه‌ی مورد مطالعه در این تحقیق را جامعه‌ای با فرزندان کم نامید، که از سویی با داده‌های ارائه شده در این زمینه یکسان است. در پژوهشی که در شهر مهاباد انجام شد نیز نشان داده شد که در میان کسانی که تمایل به ادامه‌ی فرزندآوری دارند، نزدیک به ۷۰ درصد از آنها، شمار فرزندان ایده‌آل برای یک خانواده را شامل دو فرزند می‌دانند. رابطه‌ی این تعداد فرزند با سطح درآمد خانواده‌ها نشان می‌دهد که علی‌رغم برخی تصورات، درآمد، ارتباطی منفی با تعداد فرزندان دارد. بنابراین این نتیجه، مانند برخی دیگر از تحقیقات، مویب رد نظریه‌های اقتصادی‌ای است که در ابتدا برای تبیین کاهش فرزندآوری در جوامع مختلف به کار رفته است. همچنین داده‌ها نشان دادند که در مجموع، ارزش فرزند نزد زوجین مورد مطالعه نسبتاً پایین است. با این حال مقایسه‌ی این متغیر در دو جنس، نشان می‌دهد که ارزش فرزند در بین زنان کمی بیشتر از مردان می‌باشد.

حدود ۴۶ درصد از زنان نسبت به فرزند نگرش مثبت کمی داشته و به عبارتی ارزش کمی برای وجود فرزند قائل‌اند. در مقابل، حدود ۶ درصد از پاسخ‌گویان نگرش مثبت بسیار زیادی (بین ۸۰ تا ۱۰۰ درصدی) به فرزند اظهار داشته‌اند. همچنین ۳۵ درصد از پاسخ‌گویان نگرش منفی زیادی (بین ۶۰ تا ۸۰ درصدی) نسبت به فرزند داشته‌اند. در مقابل ۱۰ درصد از زنان نگرش منفی بسیار کمی (۰ تا ۲۰ درصدی) به فرزند اظهار داشته‌اند. این داده‌ها حاکی از ارزش پایین (۲۰ تا ۴۰ درصدی) فرزند نزد پاسخ‌گویان است. متغیر باروری از طریق دو بخش نگرش به کنترل باروری (ذهنی) و کنترل رفتار باروری (عینی) سنجیده شده است. داده‌ها نشان دادند که بیشتر پاسخ‌گویان یعنی ۶۰ درصد آنها نسبت به کنترل باروری نگرش متوسطی (۴۰ تا ۶۰ درصدی) داشته‌اند. در مقابل، ۱۱/۵ درصد زنان نسبت به برنامه‌های تنظیم خانواده نگرش پایین یا ضعیفی داشته‌اند. حدود ۳۹/۵ درصد از زنان اظهار داشته‌اند که در حد متوسطی از وسایل پیشگیری از بارداری استفاده می‌کنند. در مقابل حدود ۴ درصد از پاسخ‌گویان اظهار داشته‌اند که در حد بسیار کمی از این وسایل بهره می‌گیرند. حدود ۴۲ درصد از پاسخ‌گویان میزان فردگرایی در حد زیادی دارند. در مقابل، حدود ۱۱ درصد از پاسخ‌گویان از فردگرایی کمی (۲۰ تا ۴۰ درصدی) بهره‌مند بوده‌اند. این داده‌ها حاکی از نسبت بالای فردگرایی در میان پاسخ‌گویان است. داده‌های دیگر حاکی از آن هستند که ۳۲ درصد از پاسخ‌گویان جمع‌گرایی در حد کمی دارند که این گروه در مقایسه با سایر گروه‌ها بیشترین میزان فراوانی را دارد. در مقابل، ۴ درصد از پاسخ‌گویان از جمع‌گرایی بسیار زیادی بهره‌مند بوده‌اند، که این گروه کمترین میزان فراوانی را در مقایسه با سایر گروه‌ها دارند. سایر مؤلفه‌های مربوط با متغیرهای اصلی در جدول شماره‌ی ۲ ارائه شده‌اند:

جدول ۲: آماره‌های مربوط به متغیرهای اصلی در میان پاسخ‌گویان

متغیر	واریانس	انحراف استاندارد	میانگین	بیشترین مقدار	کمترین مقدار	تعداد
نگرش به کنترل باروری	۶۴/۷۷۹	۸/۰۴۸۵۲	۴۰/۵۳۵۹	۵۷/۰۰	۲۰/۰۰	۲۰۹
رفتار باروری	۴/۰۹۴	۲/۰۲۳۴۲	۸/۲۳۱۶	۱۳/۰۰	۳/۰۰	۱۹۰
ارزش مثبت فرزند	۴۱۹/۲۱۴	۲۰/۴۷۴۷۲	۶۶/۶۱۶۸	۱۱۰/۰۰	۲۷/۰۰	۲۱۴
ارزش منفی فرزند	۲۰۷/۶۶۸	۱۴/۴۱۰۶۸	۶۲/۸۵۰۵	۹۱/۰۰	۳۷/۰۰	۲۱۴
فردگرایی	۱۷۵/۵۶۰	۱۳/۲۴۹۹۲	۷۱/۷۴۷۷	۹۹/۰۰	۴۷/۰۰	۲۱۴
جمع‌گرایی	۸۲/۴۶۴	۹/۰۸۰۹۶	۳۰/۰۷۴۸	۴۸/۰۰	۱۳/۰۰	۲۱۴

۵-۲. تحلیل داده‌ها

فرضیه‌ی اول بیان می‌کند که بین جهت‌گیری ارزشی فردگرایی با ارزش فرزند رابطه وجود دارد. از آن‌جا که ارزش فرزند ۲ بعد دارد، بنابراین این فرضیه به دو بخش تقسیم می‌شود که به ترتیب به تحقیق درباره‌ی رابطه‌ی فردگرایی با ارزش مثبت و منفی فرزند می‌پردازد. برای سنجش آن از آزمون پیرسون استفاده شده است. داده‌ها نشان می‌دهند که رابطه‌ی مثبت و معنادار میان فردگرایی و ارزش منفی فرزند (یا رابطه‌ی منفی بین فردگرایی و ارزش مثبت فرزند) وجود دارد؛ به این معنا که هر چه میزان فردگرایی پاسخ‌گویان بیشتر باشد، آنها برای فرزند ارزش منفی بیشتری قائل می‌شوند و برعکس، کاهش سطح فردگرایی می‌تواند ارزش فرزند را نزد پاسخ‌گویان افزایش دهد. اندازه‌ی آزمون پیرسون در اینجا به ترتیب $۸۰/۳۵$ و $-۰/۳۸۰$ و سطح معناداری معادل $۰/۰۰۰$ به دست آمده که مقبول است. سایر داده‌ها نشان می‌دهند که فردگرایی عمودی در مقایسه با فردگرایی افقی رابطه‌ی منفی بیشتری با ارزش مثبت فرزند (و از رابطه‌ی مثبت بیشتری با ارزش منفی فرزند) دارد (جدول ۳).

فرضیه‌ی دوم بین جهت‌گیری ارزشی جمع‌گرایی با ارزش فرزند قائل به وجود رابطه است. برای سنجش این فرضیه از آزمون پیرسون استفاده شد. داده‌ها نشان می‌دهند که رابطه‌ی منفی و معنادار میان جمع‌گرایی و ارزش مثبت فرزند یا رابطه‌ی مثبت میان جمع‌گرایی و ارزش منفی فرزند وجود دارد؛ به این معنا که هر چه میزان جمع‌گرایی پاسخ‌گویان بیشتر باشد، آنها برای فرزند ارزش بیشتری قائل می‌شوند و برعکس، کاهش سطح جمع‌گرایی می‌تواند ارزش فرزند را نزد پاسخ‌گویان کاهش دهد. اندازه‌ی آزمون پیرسون در اینجا $۰/۲۹۵$ و $-۰/۲۹۲$ و سطح معناداری معادل $۰/۰۰۰$ به دست آمده که مقبول است. بنابراین این فرضیه تأیید می‌شود. سایر داده‌ها نشان می‌دهند که جمع‌گرایی افقی رابطه‌ی مثبت بیشتری با ارزش مثبت فرزند (و از رابطه‌ی منفی کمتری با ارزش منفی فرزند) دارد (جدول ۳).

فرضیه‌ی سوم مطرح می‌کند که جهت‌گیری ارزشی فردگرایی با نگرش به کنترل باروری رابطه‌ی مثبتی دارد. داده‌ها نشان می‌دهند که رابطه‌ی مثبت و معنادار میان دو متغیر یاد شده وجود دارد؛ به این معنا که هر چه میزان فردگرایی پاسخ‌گویان بیشتر باشد، نگرش آنها نسبت به کنترل باروری افزایش می‌یابد و برعکس، کاهش سطح فردگرایی، می‌تواند نگرش به کنترل باروری را کاهش دهد. اندازه‌ی آزمون پیرسون در اینجا $۰/۲۲۳$ و سطح معناداری معادل $۰/۰۰۰$ به دست آمد. سایر داده‌ها نشان می‌دهند که فردگرایی عمودی رابطه‌ی مثبت بیشتری با نگرش به کنترل باروری دارد (جدول ۴).

فرضیه‌ی چهارم بیان می‌کند که جهت‌گیری ارزشی جمع‌گرایی با نگرش به کنترل باروری رابطه‌ای منفی دارد. داده‌ها نشان می‌دهند که رابطه‌ای معنادار و منفی میان دو متغیر یاد شده وجود دارد؛ به این معنا که هر چه میزان جمع‌گرایی پاسخ‌گویان بیشتر باشد، نگرش آنها نسبت به کنترل باروری کاهش می‌یابد و برعکس، کاهش سطح جمع‌گرایی می‌تواند نگرش به کنترل باروری را افزایش دهد. اندازه‌ی آزمون پیرسون در اینجا $0/145-$ و سطح معناداری معادل $0/003$ به دست آمد. سایر داده‌ها نشان می‌دهند که جمع‌گرایی افقی رابطه‌ی منفی بزرگ‌تری با نگرش به کنترل باروری دارد (جدول ۴).

فرضیه‌ی پنجم عنوان می‌کند که جهت‌گیری ارزشی فردگرایی با رفتار کنترل باروری رابطه‌ای مثبت دارد. داده‌ها نشان می‌دهند که رابطه‌ای مثبت و معنادار میان این دو متغیر وجود دارد؛ به این معنا که هر چه میزان فردگرایی پاسخ‌گویان بیشتر باشد، آنها بیشتر نسبت به کنترل باروری اقدام می‌کنند و برعکس، کاهش سطح فردگرایی با میزان کمتر کنترل عملی باروری در پاسخ‌گویان همراه است. اندازه‌ی آزمون پیرسون در اینجا $0/126$ و سطح معناداری معادل $0/009$ به دست آمده که مقبول است. سایر داده‌ها نشان می‌دهند که فردگرایی عمودی رابطه‌ی مثبت بزرگ‌تری با کنترل باروری دارد (جدول ۴).

فرضیه‌ی ششم حاکی است که جهت‌گیری ارزشی جمع‌گرایی با رفتار کنترل باروری رابطه‌ای منفی دارد. داده‌ها نشان می‌دهند که رابطه‌ای منفی و معنادار میان این دو متغیر وجود دارد؛ به این معنا که هر چه میزان جمع‌گرایی پاسخ‌گویان بیشتر باشد، آنها کمتر نسبت به کنترل باروری اقدام می‌کنند و برعکس، کاهش سطح جمع‌گرایی با میزان بیشتر کنترل عملی باروری در پاسخ‌گویان همراه است. اندازه‌ی آزمون پیرسون در اینجا $0/119-$ و سطح معناداری معادل $0/21$ به دست آمد. سایر داده‌ها نشان می‌دهند که جمع‌گرایی افقی رابطه‌ی منفی بزرگ‌تری با کنترل باروری دارد (جدول ۴).

جدول ۳: آزمون پیرسون بین مؤلفه‌های متغیرهای مستقل و میانجی

ارزش منفی فرزند		ارزش مثبت فرزند		آزمون پیرسون
سطح معناداری	اندازه‌ی آزمون	سطح معناداری	اندازه‌ی آزمون	
۰/۰۰۰	۰/۲۴۱ ^{**}	۰/۰۰۰	-۰/۱۷۴ ^{**}	فردگرایی افقی
۰/۰۰۰	۰/۳۴۳ ^{**}	۰/۰۰۰	-۰/۳۷۳ ^{**}	فردگرایی عمودی
۰/۰۰۰	-۰/۲۶۳ ^{**}	۰/۰۰۰	۰/۳۰۵ ^{**}	جمع‌گرایی افقی
۰/۰۰۰	-۰/۲۶۷ ^{**}	۰/۰۰۰	۰/۱۷۷ ^{**}	جمع‌گرایی عمودی

جدول ۴: آزمون پیرسون بین مؤلفه‌های هر یک از متغیرهای مستقل و وابسته

کنترل باروری		نگرش به کنترل باروری		آزمون پیرسون
سطح معناداری	اندازه‌ی آزمون	سطح معناداری	اندازه‌ی آزمون	
۰/۰۴۵	۰/۰۹۷*	۰/۰۰۰	۰/۱۸۹**	فردگرایی افقی
۰/۰۱۲	۰/۱۲۱*	۰/۰۰۰	۰/۴۲۲**	فردگرایی عمودی
۰/۰۲۲	-۰/۱۱۱*	۰/۰۰۰	-۰/۱۹۴**	جمع‌گرایی افقی
۰/۱۷۹	-۰/۰۶۵	۰/۵۱۰	-۰/۰۳۲	جمع‌گرایی عمودی

فرضیه‌ی هفتم مطرح می‌کند که بین ارزش فرزند با نگرش به کنترل باروری رابطه وجود دارد. داده‌های آزمون پیرسون نشان می‌دهند که ارزش مثبت فرزند رابطه‌ای منفی با نگرش به کنترل باروری دارد. برعکس، ارزش منفی فرزند رابطه‌ای مثبت با نگرش به کنترل باروری دارد (جدول ۵). فرضیه‌ی هشتم عنوان می‌کند که بین ارزش فرزند با کنترل باروری رابطه وجود دارد. داده‌های آزمون پیرسون نشان دادند که ارزش مثبت فرزند رابطه‌ای مثبت با کنترل باروری داشته و برعکس، ارزش منفی فرزند، کنترل باروری را افزایش می‌دهد (جدول ۵).

جدول ۵: آزمون پیرسون بین مؤلفه‌های هر یک از متغیرهای میانجی و وابسته

کنترل باروری		نگرش به کنترل باروری		آزمون پیرسون
سطح معناداری	اندازه‌ی آزمون	سطح معناداری	اندازه‌ی آزمون	
۰/۰۰۰	-۰/۲۹۰ ^{**}	۰/۰۰۰	-۰/۳۲۱ ^{**}	ارزش مثبت فرزند
۰/۰۰۰	۰/۱۵۶ ^{**}	۰/۰۰۰	۰/۱۸۲ ^{**}	ارزش منفی فرزند

فرضیه‌ی نهم به رابطه‌ی میان جهت‌گیری ارزشی با نگرش به کنترل باروری از طریق متغیر ارزش فرزند پرداخته است. برای مطالعه‌ی این سؤال از آزمون رگرسیون استفاده شد که داده‌های آن به شرح زیر است:

جدول ۶: آزمون رگرسیون میان جهت‌گیری ارزشی و نگرش به کنترل باروری

متغیر	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب غیر استاندارد	t	سطح معناداری
	B	خطای استاندارد	مستقیم		
مقدار ثابت	۲۹/۹۸۷	۴/۶۱۸		۶/۴۹۳	۰/۰۰۰
فردگرایی عمودی	-۰/۰۲۱	۰/۰۴۱	-۰/۰۳۵	-۰/۵۱۲	۰/۶۰۹
فردگرایی افقی	۲/۱۷۱	۰/۲۵۳	۰/۳۸۵	۸/۵۶۹	۰/۰۰۰
جمع‌گرایی افقی	-۰/۲۳۸	۰/۰۸۲	-۰/۱۹۴	-۲/۸۹۹	۰/۰۰۴
جمع‌گرایی عمودی	۰/۳۲۷	۰/۱۲۴	۰/۱۴۰	۲/۶۳۲	۰/۰۰۹
ارزش فرزند	-۰/۷۵۱	۰/۲۱۴	-۰/۱۶۴	-۳/۵۱۳	۰/۰۰۰

با در نظر گرفتن ارزش فرزند به عنوان متغیر وابسته، تأثیر مستقیم متغیرهای مستقل با وابسته مشخص می‌شوند:

جدول ۷: آزمون رگرسیون میان جهت‌گیری ارزشی و نگرش به کنترل باروری از طریق ارزش فرزند

	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب غیر استاندارد	ضرایب غیر مستقیم	t	سطح معناداری
	B	خطای استاندارد	Beta			
مقدار ثابت	۹/۲۸۵	۰/۹۴۸			۹/۷۹۵	۰/۰۰۰
فردگرایی عمودی	-۰/۰۴۲	۰/۰۰۹	-۰/۳۱۸	۰/۰۸۰	-۴/۶۲۶	۰/۰۰۰
فردگرایی افقی	-۰/۱۵۵	۰/۰۵۷	-۰/۱۲۶	۰/۰۳۲	-۲/۷۲۵	۰/۰۰۷
جمع‌گرایی عمودی	۰/۰۰۱	۰/۰۱۹	۰/۰۰۴	۰/۰۰۱	۰/۰۵۱	۰/۹۵۹
جمع‌گرایی افقی	۰/۰۱۸	۰/۰۲۸	۰/۰۳۵	۰/۰۰۹	۰/۶۳۹	۰/۵۲۳

داده‌های حاصل از آزمون رگرسیون نشان می‌دهند که جهت‌گیری ارزشی و بالاتر از همه مؤلفه‌ی فردگرایی عمودی با نگرش به کنترل باروری رابطه‌ی غیرمستقیم دارد؛ به این معنا که جهت‌گیری‌های ارزشی جمع‌گرایانه- فردگرایانه هم با تأثیر در ارزش فرزند نزد پاسخ‌گویان و هم به تنهایی می‌تواند سطوح باروری را در جامعه تحت تأثیر قرار دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

باروری به عنوان یکی از وظایف نظام خانواده دست‌خوش تغییر و تحول بسیاری شده است. در ایران نیز جمعیت‌شناسان از کاهش نرخ رشد جمعیت به زیر سطح جایگزینی سخن می‌گویند. تجزیه و تحلیل‌های جمعیت‌شناختی نشان می‌دهد که کشور ایران پس از تجربه‌ی کاهش باروری، وارد مرحله‌ی جدیدی در تغییرات جمعیتی شده است. جهت‌گیری‌های ارزشی از عمده‌ترین عوامل فرهنگی است که در باروری و تغییرات آن مؤثر است. در این تحقیق به رابطه میان جهت‌گیری‌های ارزشی با نگرش به باروری با در نظر گرفتن ارزش فرزند نزد خانواده‌ها پرداخته شده است.

این پژوهش نشان داد که بیشتر پاسخ‌گویان نسبت به کنترل باروری نگرش متوسطی داشته‌اند. در مقابل، کمتر از یک چهارم (تقریباً ۱۴ درصد) از افراد نسبت به برنامه‌های تنظیم خانواده نگرش ضعیفی اظهار داشته‌اند. این امر در مورد کنترل رفتار باروری نیز صادق است؛ یعنی بیشتر زنان رفتارهای کنترل‌کننده‌ی خود در باروری را متوسط ارزیابی کرده‌اند. در مقابل، داده‌ها میزان فردگرایی را در زنان به نسبت بالا نشان می‌دهند. داده‌های تحلیلی این پژوهش نشان دادند که میان فردگرایی و ارزش منفی فرزند رابطه‌ای مثبت و معنادار یا میان فردگرایی و ارزش مثبت فرزند رابطه‌ی منفی وجود دارد؛ یعنی هر چه میزان فردگرایی پاسخ‌گویان بیشتر باشد، آنها برای فرزند ارزش منفی بیشتری قائل‌اند و برعکس، کاهش سطح فردگرایی می‌تواند ارزش فرزند را نزد پاسخ‌گویان افزایش دهد.

همچنین طبق داده‌ها می‌توان نتیجه گرفت که فردگرایی عمودی رابطه‌ی مثبت بیشتری با ارزش منفی فرزند دارد؛ یعنی هر چه افراد فردگراتر باشند، ارزش فرزند بین آنها پایین‌تر و کمتر است. میرزایی بیان می‌کند که در نوعی از فردگرایی، فرد در پی نفع شخصی خود در کنار نفع اجتماعی سایرین است (میرزایی و عسگری ندوشن، ۱۳۸۵: ۴۲). می‌توان نتیجه‌ی پژوهش وی را با داده‌های این تحقیق یکسان دانست؛ به این معنی که افراد هر چه فردگراتر باشند، منافع فردی خود را به منافع جمع ترجیح می‌دهند و ارزش فرزند به عنوان یک نفع جمعی بین آنها پایین‌تر از سایرین است. در مورد جمع‌گرایی نیز این نتیجه به دست آمد که میان جمع‌گرایی و ارزش منفی فرزند رابطه‌ای منفی و معنادار میان جمع‌گرایی و ارزش مثبت فرزند رابطه‌ای مثبت وجود

دارد؛ یعنی هر چه میزان جمع‌گرایی پاسخ‌گویان بیشتر باشد، آنها برای فرزند ارزش منفی کمتری قائل‌اند. همچنین داده‌ها نشان داد که جمع‌گرایی افقی رابطه‌ی مثبت بیشتری با ارزش مثبت فرزند دارد. لازم به ذکر است که ارزش فرزند، خود با نگرش به باروری و همچنین کنترل باروری رابطه داشت؛ به این معنا که ارزش مثبت فرزند، نگرش به کنترل باروری و کنترل عملی باروری را افزایش می‌دهد و برعکس، ارزش منفی فرزند با گسترش نگرش به کنترل باروری و کنترل عملی باروری همراه است؛ نتیجه‌ای که پیش‌زمینه‌ای برای ارتباط جهت‌گیری ارزشی با کنترل باروری به کار می‌رود. از سوی دیگر، میان فردگرایی و نگرش به کنترل باروری رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود داشت؛ یعنی هر چه میزان فردگرایی پاسخ‌گویان بالاتر باشد، نگرش آنها نسبت به کنترل باروری بیشتر بوده و برعکس، کاهش سطح فردگرایی می‌تواند نگرش به کنترل باروری را کاهش دهد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هر چه زنان فردگرا باشند، نگرش به کنترل باروری به علت ارزش فرزند پایین و علاقه به فرزند کم داشتن و یا اصلاً نداشتن فرزند در آنها بیشتر است و آنها بیشتر از افراد جمع‌گرا به دنبال کنترل باروری خواهند بود. در همین زمینه این نتیجه به دست آمد که فردگرایی افقی با نگرش به کنترل باروری رابطه‌ی مثبت بیشتری دارد. همچنین داده‌ها نشان دادند که میان جمع‌گرایی و نگرش به کنترل باروری رابطه‌ای معنادار و معکوس وجود داشته است؛ یعنی هر چه میزان جمع‌گرایی پاسخ‌گویان بیشتر بوده، نگرش آنها نسبت به کنترل باروری کاهش یافته است و برعکس، کاهش سطح جمع‌گرایی، می‌تواند نگرش به کنترل باروری را در پاسخ‌گویان افزایش دهد. در راستای این آزمون این نتیجه به دست آمد که جمع‌گرایی افقی با نگرش به کنترل باروری رابطه‌ی منفی نسبتاً بیشتری دارد. می‌توان نتایج حاصل از این پژوهش را با نتایج پژوهش‌ها را در یک راستا قرار داد؛ به طوری که هارا در تحقیق خود به موضوع بی‌فرزندگی در کشورهای آلمان و ژاپن پرداخته و نشان می‌دهد که تغییرات عصر حاضر به ویژه گسترش آزادی فردی و نیل به استعدادهای فردی یا خودشکوفایی با کاهش باروری مرتبط است. همچنین در عمل میان فردگرایی و کنترل رفتار باروری رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود داشت؛ یعنی هر چه میزان فردگرایی پاسخ‌گویان بیشتر بوده، آنها بیشتر نسبت به کنترل رفتار باروری در عمل اقدام کرده‌اند و برعکس، کاهش سطح فردگرایی با میزان کمتر رفتار عملی باروری در پاسخ‌گویان همراه است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هر چه زنان فردگراتر باشند، به نسبت به رفتار کنترل باروری نیز بیشتر اقدام کرده‌اند، زیرا در افراد فردگرا به دلیل آنکه ارزش فرزند در بین آنها پایین بوده و نگرش بالاتری به کنترل باروری داشته‌اند، از روش‌های کنترل باروری بیشتری نیز استفاده کرده و خواهند کرد. نتایج نشان می‌دهند که فردگرایی عمودی از میزان رابطه‌ی مثبت بیشتری با رفتار کنترل باروری برخوردار است. همچنین میان جمع‌گرایی و کنترل

رفتار باروری در عمل رابطه‌ای منفی و معنادار وجود داشته است؛ یعنی هر چه میزان جمع‌گرایی پاسخ‌گویان بیشتر بوده، آنها نسبت به کنترل رفتار باروری کمتر اقدام کرده‌اند و برعکس، کاهش سطح جمع‌گرایی با میزان بیشتر کنترل رفتار باروری در پاسخ‌گویان همراه بوده است. یعنی زنان جمع‌گرا از رفتار کنترل باروری کمتر استفاده کرده‌اند.

سایر داده‌ها نشان می‌دهند که جمع‌گرایی افقی با کنترل رفتار باروری رابطه‌ی منفی بیشتری دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که جهت‌گیری ارزشی یا فردگرایی - جمع‌گرایی هم با نگرش به کنترل باروری و هم با رفتار باروری ارتباطی مستقیم و معنادار دارد. یعنی جمع‌گرایی هم با نگرش به کنترل باروری و هم با کنترل عملی آن رابطه‌ی مستقیم دارد؛ برعکس، فردگرایی نگرش به کنترل باروری را افزایش داده و در عمل نیز آن دسته از پاسخ‌گویانی که فردگرایی بیشتری داشته، سطح باروری کمتری دارند. جالب اینکه براساس داده‌های این پژوهش، نگرش به کنترل باروری و رفتار باروری با یکدیگر رابطه‌ی مثبت دارد؛ به این معنا که هر چه نگرش پاسخ‌گویان به کنترل باروری بیشتر باشد، در عمل کنترل آنها نسبت به باروری بیشتر بوده است (اندازه‌ی آزمون: ۰/۴۵۱ و سطح معناداری: ۰/۰۰۰). بنابراین در مجموع داده‌ها نشان داده‌اند که میان جهت‌گیری ارزشی و باروری رابطه‌ی مثبت و معناداری (چه مستقیم و یا غیر مستقیم) وجود داشته است.

سرانجام یافته‌های نهایی بیان‌گر آن است که فردگرایی افقی رابطه‌ی مثبت بیشتر و جمع‌گرایی افقی رابطه‌ی منفی کمتری با باروری دارد. این نتایج را می‌توان هم‌راستا با نتایج پژوهش لستق و وندکا دانست. وندکا و لستق در سال ۱۹۸۶ با طرح نظریه‌ی گذار دوم جمعیتی آن را محصول تغییراتی می‌دانند که در حوزه‌ی ارزش‌های خانوادگی رخ داده است. لستق شیوع فردگرایی را به عنوان یکی از اصلی‌ترین تغییرات فرهنگی قرن اخیر که بیشتر نظریه‌پردازان آن را مطرح کرده‌اند، نام می‌برد و این پژوهش نیز به چنین نتایجی دست یافت؛ یعنی می‌توان گفت عواملی که باعث کاهش یا افزایش باروری می‌شوند، بیشتر عوامل فرهنگی هستند نه عوامل سیاسی و اقتصادی. در همین رابطه لستق و وندکا به نظریه‌ی گذار دوم جمعیتی اشاره می‌کنند که بیان‌گر تأثیر عامل فرهنگی در کاهش نسل در خانواده‌هاست. تریاندیس نیز غیرمستقیم به گذار دوم جمعیتی می‌پردازد، زمانی که به تغییرات فرهنگی از جمله فردگرایی - جمع‌گرایی اشاره می‌کند. به باور او، تغییر نگرش‌ها از جمع‌گرایی به فردگرایی، در نهایت در سطح باروری مؤثر است. بنابراین این تحقیق به طور کلی به این نتیجه می‌رسد که متغیرهای فرهنگی نیز در کنار سایر متغیرها، اهمیت زیادی در تبیین پدیده‌ی باروری دارند.

با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان گفت تغییر نگرش جوامع به فرزندآوری و تمایل کمتر به فرزنددار شدن را نباید تنها در علل و اسباب مادی و اقتصادی یا اجتماعی جست‌وجو کرد، بلکه

باید در این عرصه عوامل فرهنگی نیز لحاظ شوند. مسلماً در این میان توجه صرف به عوامل مادی و یا تشویق‌های اقتصادی کارساز نخواهد بود و اولویت توجه باید از آن عوامل فرهنگی باشد که رسانه‌ها به عنوان ابزاری اساسی، می‌توانند نقش مؤثری را در این زمینه ایفا کنند.

منابع

- ◀ اعظم آزاده، منصوره و عاصفه توکلی. «فردگرایی، جمع‌گرایی و دین‌داری»، انجمن ایرانی مطالعات فرهنگ و ارتباطات، شماره ۳، (۱۳۸۶).
- ◀ آریلاستر، آنتونی (۱۳۷۷). لیبرالیسم غرب: ظهور و سقوط، مترجم: عباس منخبر، چاپ سوم، تهران: نشر مرکز.
- ◀ آگ‌برن، ویلیام فیلدینگ و مایرفرانسیس نیم‌کوف ۱۳۸۱. زمینه جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی امیرحسین آریان‌پور، گستره.
- ◀ تریاندیس، هری ۱۳۷۸. فرهنگ و رفتارهای اجتماعی ترجمه‌ی نصرت فنی، تهران، رسانش.
- ◀ تمنا، سعید و سعید کیاکجوری (۱۳۹۳). مبانی جمعیت‌شناسی، تهران: دانشگاه پیام نور.
- ◀ چلبی، م. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم، تهران، نی.
- ◀ حسینی، حاتم و بلال بگی. «فرهنگ و فرزندآوری بررسی تمایلات باروری زنان کرد شهر مهاباد»، مطالعات راهبردی زنان، ۱۳۹۱.
- ◀ حمدزاده اصل، نازی، قدرت‌الله امام وردی و محمد سریر افراز (۱۳۸۹) «رتبه‌بندی شاخص‌های رفاه شهری» پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال ۱، ش ۱، (تابستان ۱۳۸۹).
- ◀ رستگارخالد، امیر و میثم محمدی (۱۳۹۴). تغییرات فرهنگی و افت باروری در ایران (بر پایه تحلیل ثانوی داده‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان)، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۵۸، صص: ۱۵۹-۱۸۰.
- ◀ سبحانی‌نیا، محمد. ۱۳۹۱. تحدید خانواده، تهدید جامعه، ره‌توشه‌ی راهیان نور.
- ◀ سرایی، حسن. «گذار جمعیتی دوم با نیم‌نگاهی به ایران»، نامه‌ی انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال ۳، ش ۶، (۱۳۸۷).
- ◀ عباسی‌شوازی، محمدجلال و ملیحه علی‌مندگاری، ۱۳۸۹. «تأثیر ابعاد متفاوت استقلال زنان بر رفتار باروری آنها در ایران»، پژوهش زنان، دوره‌ی ۸، ش ۱، (۱۳۸۹).
- ◀ عنایت، حلیمه و دیگران. «مطالعه‌ی رفتار و نگرش باروری دو نسل مادران و دختران و عوامل فرهنگی مرتبط با آن»، پژوهشنامه‌ی جامعه‌شناسی جوانان، سال ۱، ش ۱، (۱۳۹۰).
- ◀ لوکاس، دیوید و پاول میر ۱۳۸۴. درآمدی بر مطالعات جمعیتی، ترجمه حسین محمودیان، تهران، دانشگاه تهران.
- ◀ محمودیان حسین، محمود قاضی طباطبایی و محمد ترکاشوند (۱۳۹۱). تأثیر زندگی در خانواده‌های

- تک والدینی بر کسب سرمایه انسانی فرزندان (مورد مطالعه: جوانان ۱۵ تا ۲۰ ساله شهری تهران)، فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره سوم، صص: ۹۶-۶۷.
- ◀ مرکز آمار ایران، (۱۳۹۲)، «گزیده اطلاعات سالنامه: جدول ۱-۲ جمعیت و متوسط رشد سالانه.» درگاه ملی آمار. برگرفته در ۲۳ مهر ۱۳۹۲.
- ◀ مشفق، محمود و قربان حسینی (۱۳۹۱). «آینده پژوهی تغییرات جمعیتی ایران طی دوره ی ۱۳۹۰ تا ۱۴۲۰.» معرفت فرهنگی اجتماعی، سال ۴. ش ۱، (زمستان ۱۳۹۱).
- ◀ مظلومی محمودآباد، سید سعید، فاطمه شهیدی، معصومه عباسی شوازی و فاطمه شهری زاده. «بررسی آگاهی، نگرش و رفتارهای زنان در مورد بهداشت باروری در هفت شهر مرکزی ایران» باروری و ناباروری، دوره ۷، ش ۴ (مسلسل ۲۹)، (۱۳۸۵).
- ◀ معیدفر، سعید و حبیب صبوری خسروشاهی. پژوهش نامه ی علوم اجتماعی، سال ۴، ش ۴، (۱۳۸۹).
- ◀ _____ (۱۳۸۹). بررسی میزان فردگرایی فرزندان در خانواده، پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال چهارم، شماره ۴، صص: ۹۳-۱۱۰.
- ◀ میرزائی، محمد و عباس عسکری ندوشن (۱۳۸۵). برنامه های توسعه، رویدادهای سیاسی بین المللی و جهت گیری مباحث جمعیت شناسی در قرن بیستم، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، سال اول، شماره اول، صص: ۱۰۳-۸۱.
- ◀ هوفستد، گرت ها ۱۳۸۷. فرهنگ ها و سازمان ها، برنامه ریزی ذهن، ترجمه ی علی اکبر فرهنگی و اسماعیل کاوسی، تهران، پژوهشکده ی تحقیقات استراتژیک.

- Abbasi-Shavazi M.J. & et al., (2009). The fall in Iranian Fertility: Theoretical Considerations. The Fertility Transition in Iran:
- Hacker, J. David, "child naming, religion, and the decline of marital fertility in nineteenth-century America", *the history of the family an International Quarterly*, Volume 4, Number 3, (1986).
- Hara, Toshihiko. "Increasing Childlessness in Germany and Japan: Toward a Childless Society", *International Journal of Japanese Sociology*, No. 17, (2008).
- Kaufmann, Eric (2008). Islamism, Religiosity and Fertility in the Muslim World. School of Politics and Sociology, Birkbeck College, University of London, Malet St., London WC1E 7HX. Paper prepared for 2008 EPC conference, Barcelona. 48p.
- Lesthaeghe, R & Van de Kaa. (1986) Value changes and the dimensions of familism in the European Community, *European Journal of Population*.

- ▶ Lesthaeghe, Ron & Van de Kaa. 1983. A Century of Demographic and Cultural Change in Western Europe. Population and Development Review 9.
- ▶ Moaddel, M. (2010). Religious regimes and prospects for liberal politics.
- ▶ Revolution and Reproduction, Springer Science+Business Media B.V.
- ▶ Tapies, J. & Ward, J. (2008). Family Values and Value Creation; the Fostering Of Enduring Values within Family-Owned Businesses, A Family Business Publication, U.S.A.